بسم الله الرحمن الرحیم

سیره‌نویسان و قرآن

دکتر منصور داداش‌نژاد

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۳

داداش‌نژاد، منصور، ۱۳۴۵ــ
سیره‌نویسان و قرآن/ منصور داداش‌نژاد. ــ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
هشت، ۳۲۸ص.: جدول. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۷۳: تاریخ؛ ۵۶)
ISBN: 978-600-298-038-0
بها: ۹۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص.[۲۹۱]-۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ــ ۱۱ق ــ سرگذشت‌نامه ــ تاریخ و نقد. ۲. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ــ ۱۱ق ــ در قرآن. الف. پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ب. عنوان
۱۳۹۳ ۹س ۲د / ۲۳ BP ۲۹۷/۹۳
شماره کتابشناسی ملی ۳۴۴۷۰۴۳

سیره‌نویسان و قرآن

مؤلف: دکتر منصور داداش‌نژاد
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری
حروفچینی: اعتصام
چاپ اول: بهار ۱۳۹۳
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم ــ سبحان
قیمت: ۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۰ ۳۲۱۱۱۱ ــ ۰۲۵ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ ــ ۳۷۱۸۵ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰
www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمه‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع کمک‌درسی درس‌هایی مانند سیره نبوی و تاریخ نگاری برای

دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام و تاریخ اهل بیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینهٔ تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسندهٔ گرامی، آقای دکتر منصور داداش نژاد و نیز ناظران محترم اثر حجت الاسلام والمسلمین محمد هادی یوسفی غروی و حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد اسعدی تشکر و قدردانی نماید.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات ۵
منابع ۷
– کتاب‌های سیره و تاریخ ۷
– کتاب‌های حدیث ۷
– کتاب‌های تفسیر ۸
۱. سیره نویسی و انواع آن ۸
۱–۱. آغاز سیره‌نویسی ۹
۱–۲. گونه‌های سیره‌نویسی ۱۱
۱–۳. سیره‌نگاری در عصر حاضر ۱۴
۱–۴. آسیب‌های سیره‌نگاری ۱۵
۲. سیره نبوی در قرآن ۱۶
۲–۱. دامنه اطلاعات سیره‌ای در قرآن ۱۶
۲–۱–۱. پیش از بعثت پیامبر ۱۷
۲–۱–۲. دوران مکی ۲۱
۲–۱–۳. دوران مدنی ۲۶
۲–۱–۴. شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۱
۲–۲. خدمات متقابل تاریخ و قرآن ۳۲
۲–۲–۱. کمک تاریخ صدر اسلام به فهم قرآن ۳۲
الف) توضیح مَقام بیان ۳۲
ب) رفع ابهام از آیات ۳۳
ج) رفع تناقض ظاهری آیات ۳۳
د) تعیین دامنه شمولی آیات ۳۳

هـ) آگاهی از آیات مکی و مدنی ۳۴
۲-۲-۲. کمک قرآن به تاریخ ۳۴
۲-۳. تفاوت قرآن و کتاب‌های تاریخ در ارائه گزارش‌های تاریخی ۳۶
۲-۳-۱. اهداف ۳۶
۲-۳-۲. روش ۳۷
۲-۳-۳. تفاوت‌های روشی قرآن با کتاب‌های تاریخ ۳۷
الف) تفاوت روش در تاریخ نقلی و تحلیلی ۳۷
ب) تفاوت روش در زبان تربیتی، هدایتی و زبان علمی ۴۰

فصل دوم: سیر تاریخی استناد سیره‌نویسان به قرآن ۴۳
۱. پیشینه استناد به قرآن ۴۳
۱-۱. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۴۳
۱-۲. صحابه ۴۵
۲. نخستین سیره‌نویسان و استناد به قرآن (عصر اول، تابعین) ۴۸
۲-۱. عروةبن‌زبیر (۲۲-۹۴ق) ۴۹
۲-۲. ابن شهاب زهری (۵۰-۱۲۴ق) ۵۲
۳. دوران تدوین سیره (عصر دوم) ۵۹
۳-۱. محمدبن‌اسحاق (۵۸-۱۵۱ق) ۵۹
۳-۲. محمدبن‌عمر واقدی (۱۳۰-۲۰۷ق) ۶۳
۳-۳. محمدبن‌سعد زهری (۱۶۸-۲۳۰ق) ۶۵
۴. دوران توسعه و گسترش استناد به قرآن (عصر سوم) ۶۷
۴-۱. دلائل النبوة بیهقی (م ۴۵۸ق) ۶۷
۴-۲. الروض الأُنُف، سُهیلی (۵۰۸-۵۸۱ق) ۶۸
۴-۳. زاد المعاد فی هَدی خیر العباد، ابن قَیم جوزیه (۶۹۱-۷۵۱ق) ۷۰
۴-۴. سُبُل الهدی و الرشاد، صالحی شامی (م ۹۲۴ق) ۷۵
۴-۵. سیره حلبیه، علی‌بن‌ابراهیم حلبی (م ۱۰۴۴ق) ۸۱
۴-۶. ویژگی‌ها و تفاوت این دوره با دوره پیشین ۸۵
اول: بهره‌گیری از منابع مختلف دیگر رشته‌ها به ویژه کتاب‌های تفسیری و فقهی ۸۵
دوم: رویکرد حداکثری در استفاده آیات ۸۶
سوم: تفصیل در مطالب کتاب‌های سیره و رشد روایات ۸۷
چهارم: پیوند مباحث سیره با موضوعات جدید ۸۷
پنجم: ارتقای جایگاه قرآن در کتاب‌های سیره ۸۷
۵. دوران معاصر، رویکرد جدید سیره‌نویسان به قرآن ۸۸
۵-۱. محمد عِزَّه دَروَزّه ۸۹
۵-۲. جعفر مرتضی عاملی ۹۱

۵-۲-۱. نقادی‌های قرآنی ۹۲
اول: ناسازگاری محتوایی ۹۲
دوم: ناسازگاری زمانی ۹۳
سوم: ناسازگاری سیاق ۹۴
۵-۲-۲. روش ۹۵
۵-۲-۲-۱. جمع میان اخبار و آیات ۹۷

فصل سوم: گونه‌ها، شیوه‌ها و اهداف استناد سیره‌نویسان به قرآن ۹۹
۱. گونه‌های استناد ۹۹
۱-۱. توضیح درباره مراد و مفهوم آیه (تبیین محتوایی) ۹۹
۱-۲. تبیین ریشه شناختی و ادبی آیات ۱۰۱
۱-۳. تبیین و ترسیم فضای تاریخی آیه ۱۰۳
۱-۳-۱. بیان سبب و شأن نزول آیه ۱۰۳
۱-۳-۲. بیان بازتاب نزول آیات ۱۰۷
۱-۳-۳. بیان زمان و ترتیب نزول آیات ۱۰۷
۱-۴. تعیین مصداق ۱۱۲
۱-۵. تأویل آیات (بیان لایه‌های معنایی) ۱۱۶
۱-۶. ناسخ و منسوخ ۱۱۷
۱-۷. اختلاف قرائات ۱۱۸
۲. شیوه‌های استناد ۱۱۹
۲-۱. استناد مستقیم به آیه ۱۱۹
۲-۲. استفاده از مضمون، اقتباس و نقل به معنای آیه ۱۱۹
۲-۳. مطالعه تطبیقی ۱۲۰
۳. اهداف استناد ۱۲۰
۳-۱. تأیید و تقویت خبر صحیح ۱۲۰
۳-۲. ابطال یا تصحیح خبر ۱۲۲

فصل چهارم: نقد و بررسی قرآنی گزارش‌های سیره‌نویسان ۱۲۵
۱. بی‌توجهی به آیات در بررسی‌ها و گزارش‌های تاریخی ۱۲۵
۱-۱. ناسازگاری برخی اخبار سیره با آیات قرآنی ۱۲۵
بعثت ۱۲۶
انذار خویشان نزدیک ۱۲۶
بازگشت مهاجران از حبشه ۱۲۸
غزوه بدر ۱۲۹
جنگ اُحد ۱۳۲

جنگ بنونضیر ۱۳۳
حادثه افک ۱۳۴
۱-۲. بی توجهی به زمان نزول آیات..... ۱۳۵
۱-۳. بی توجهی به نزول مجموعی آیات..... ۱۳۷
۲. برداشت ظاهری از آیات ۱۳۸
۳. ساختن اخبار ناظر بر آیات..... ۱۴۰
۴. استفاده از آیات در سلیقه‌های مذهبی..... ۱۴۳
نتیجه..... ۱۴۴

پیوست شماره ۱: استناد رسول خدا به آیات قرآن..... ۱۴۵

پیوست شماره ۲: جدول استنادهای قرآنی پیامبرﷺ ۲۰۵

پیوست شماره ۳: استنادهای صحابه به قرآن..... ۲۱۱
الف) استناد صحابه به قرآن در عصر رسول خداﷺ..... ۲۱۱
ب) استناد صحابه به آیات، بعد از رسول خداﷺ ۲۲۶

پیوست شماره ۴: جدول موارد قرآنی عروةبن‌زبیر در کتاب‌های سیره و تفسیر ۲۴۱
الف) موارد قرآنی عروة در کتاب‌های سیره ۲۴۱
ب) موارد قرآنی عروة در کتاب‌های تفسیری ۲۴۳

پیوست شماره ۵: موارد قرآنی ابن شهاب‌زهری از غیر طریق عروة ۲۵۵

پیوست شماره ۶: موارد قرآنی بیهقی در دلائل النبوة ۲۶۹

منابع..... ۲۹۱

نمایه آیات ۳۰۵
نمایه اشخاص..... ۳۱۵
نمایه اماکن ۳۲۷

مقدمه

قرآن و سیره نبوی که دو پایه تحقیق حاضر هستند، دو عنصر بسیار مهم و تأثیرگذار در حیات جوامع اسلامی به شمار می‌روند. سیره‌نویسی نیز شاخه‌ای کهن و مهم از تاریخ‌نگاری است که به جهت محور قرار گرفتن رفتار و کردار رسول خداﷺ در آن، تأثیر شایانی در چگونگی زندگی مسلمانان داشته است.

وظیفه اصلی این اثر، بررسی سیر تطور استناد سیره‌نویسان به آیات قرآنی است و بر آن است تا با جستجو در منابع سیره رسول خداﷺ، آغاز و انجام این روند را روشن ساخته و ادوار و ویژگی‌های هر دوره را روشن نماید. اعتماد به آنچه در کتاب‌های سیره بر جای مانده نیازمند بازخوانی مجدد روایات موجود در منابع اسلامی و دست یافتن به هسته اولیه روایاتی است که در طول تاریخ دستخوش دگرگونی و افزوده‌هایی شده‌اند. پژوهش پیش رو در مسیر نشان دادن تحولات کتاب‌های سیره از دریچه بررسی آیاتِ مورد استناد سیره‌نویسان بوده است. در این بررسی آنچه مشخص می‌شود، روند رو به رشد استناد به آیات در کتاب‌های سیره و اثر پذیری آنها در این زمینه از جریانات دینی و سیاسی جامعه اسلامی است.

در این تحقیق برای نشان دادن سیر تطور استناد به قرآن، محتوای نگاشته‌های (مفقود یا موجود) دوازده تن از سیره‌نویسان بررسی شده است. این سیره‌نویسان که هر یک را می‌توان نماینده سیره‌نویسی عصر خویش بر شمرد، عبارت‌اند از: عروةبن‌زبیر، ابن شهاب زهری، ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، بیهقی، سهیلی، ابن قیم، شامی، حلبی، دروزه و جعفر مرتضی عاملی.

این پژوهش ماهیت تاریخ نگاری داشته و در چهار فصل، به طرح مباحث می‌پردازد:

فصل اول، به مباحث مقدماتی اختصاص یافته است. ابتدا نگاهی به آغاز و انجام

سیره‌نویسی افکنده شده و گونه‌های سیره‌نگاری همچون، مغازی‌نویسی، دلائل نگاری، شمایل‌نگاری بررسی شده و به اجمال، جریان سیره‌نگاری آسیب‌شناسی شده است که از جمله آسیب‌ها، غلبه نگاه نظامی و جنگی به زندگانی رسول خداﷺ است که همواره موجب پدید آمدن سوء تفاهم‌ها و لطماتی به مسلمانان شده است.

دامنه اطلاعات سیره‌ای قرآن در سه محور پیش از بعثت، دوران مکی و دوران مدنی بررسی شده تا حجم اطلاعات قرآنی مربوط به سیره رسول خداﷺ روشن شود و در ادامه، کمک بررسی‌های تاریخی برای فهم بهتر آیات الهی پی‌گیری شده و زمینه فهم بهتر آیات الهی با مراجعه به کتاب‌های سیره روشن شده است. تفاوت هدف قرآن و کتاب‌های سیره که راز تفاوت روش و پردازش اطلاعات و آگاهی‌ها در این دو گونه متن نیز هست، مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است. هدف قرآن تربیت و هدایت است که با نگاه گزینشی و بخشی به حوادث سیره محقق گشته است، بر خلاف کتاب‌های سیره که نگاهی اختصاصی و تفصیلی به سیره رسول خداﷺ دارند.

در فصل دوم، سیر تاریخی استناد سیره‌نویسان به قرآن بررسی شده است. در این مطالعه، نقطه آغاز استناد که عصر رسول خداﷺ و صحابه است به عنوان پیشینه و پایه استناد به آیات، بررسی و کند و کاو شده و در ادامه سیر استناد در چهار دوره متمایز بحث شده است. دوره اول، که عصر نخستین و پیش از تدوین سیره است، نمایندگانی چون عروةبن‌زبیر و ابن شهاب زهری دارد که نظریاتشان اساس سخنان بعدی کتاب‌های سیره است. استناد به آیات در این دوره بسیط، ساده، پراکنده و اندک است. در عصر دوم که دوران تدوین سیره است و نمایندگان آن ابن اسحاق و واقدی هستند، استناد به آیات، گسترده‌تر، منسجم‌تر، موضوعی و همراه با ضمیمه کردن آیات به یکدیگراست، در این دوره که عصر پدید آمدن متن‌های ترکیبی و یک‌دست در سیره نبوی است، آیات قرآن به تضمین مورد استفاده قرار گرفته و برقراری ارتباط میان حوادث تاریخی و آیات قرآن بیشتر شده است. عصر سوم که دوران توسعه و اوج استناد به قرآن است، قرآن جایگاه مناسب‌تری در مباحث سیره یافته است. در این عصر با کمک گرفتن از کتاب‌های رشته‌های دیگر، مانند تفسیر و فقه، نهایت تلاش برای به کارگیری آیات در مباحث سیره به کار رفته است. نماینده این دوره را می‌توان شامی در سبل الهدی و الرشاد و حلبی در سیرهٔ حلبیه دانست، رویکرد حداکثری در استفاده از آیات، پیوند مباحث سیره و به تبع آن آیات قرآنی با مباحث جدید و استفاده از آیات برای تأیید و تقویت دیدگاه‌های رایج کلامی و سیاسی از ویژگی‌های این دوره است. دوره چهارم، دوران معاصر است که با جریان‌های جدید سیاسی

فکری صد سال اخیر جهان اسلام آغاز شده و به عنوان عصر بازگشت به قرآن شناسایی می‌شود. در این دوره رویکرد جدیدی در به‌کارگیری آیات در نگارش سیره پدید آمده که در یک رویکرد، کل سیره نبوی از منظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در رویکرد دوم، اخبار سیره با توجه به آیات قرآن مورد نقادی و در بوته نقد قرار می‌گیرد.

در فصل سوم، گونه‌ها، شیوه‌ها و اهداف استناد سیره‌نویسان به قرآن بررسی شده است. سیره‌نویسان ابتدا به منظور تبیین بهتر گزارش‌های تاریخی به آیات نظر افکنده و سعی کردند ارتباطی میان گزارش‌های تاریخی و آیات برقرار نمایند، توضیحات تاریخی برای تبیین و ترسیم فضای تاریخی آیه مهم بود و می‌توانست آیه مورد نظر را به معنای خاصی انصراف دهد. تعیین مصداق آیه و بیان سبب نزول آن، ضمن یادداشت آیه در میان مطالب تاریخی خود به‌خود مشخص می‌گشت. به مرور و با توجه به پدید آمدن گرایش‌ها و دیدگاههای جدید در تفکرات دینی، مباحث کتاب‌های سیره نیز تحت تأثیر قرار می‌گرفت، و موضوعاتی چون بیان لایه‌های معنایی و تأویل آیات، مباحث علوم قرآنی چون ناسخ و منسوخ و اختلاف قرائت‌ها نیز در کتاب‌های سیره مورد توجه قرار گرفته و بدان پرداخته شد که در کتاب‌های کهن سیره سابقه‌ای نداشت و اقتضای جدید سیره‌نویسی بود.

شیوه استناد سیره‌نویسان به آیات نیز به صورت مستقیم بوده و آیات در لابه‌لای ذکر مطالب تاریخی، یا به صورت مجزا در پایان مبحث گرد آمده است. استفاده از مضمون و اقتباس از آیات، هم‌زمان با ارائه متن‌های یکپارچه از سیره آغاز شد، مطالعه قرآن به صورت موضوعی و تطبیقی، مسیری بود که از سوی سیره‌نویسان بعدی طی شد و تلاش شد با مطالعه همه جانبه قرآن هنگام ورود به مباحث سیره نبوی، آیات بیشتری با موضوعات مورد بحث پیوند یابد.

از آنجا که اعتبار گزارش‌های تاریخی قرآن فراتر از اعتبار گزارش‌های تاریخی بود، سیره‌نویسان برای تقویت خبر مورد پذیرش خویش به آیات قرآن استناد می‌کردند. این استناد هر چند در دوره‌های اولیه بسیار خام و صوری بود، اما در دوره‌های بعد تلاش شد ناهمخوانی‌های ظاهری میان اخبار و آیات به گونه‌ای رفع گردد، اما ابطال اخبار با آیات هیچ‌گاه به عنوان جریانی قوی در میان سیره‌نگاران پدید نیامد و به ندرت اخبار سیره با توجه به آیات، مورد نقد و بررسی و ابطال قرار گرفت. تنها در عصر حاضر عده‌ای از سیره‌نویسان اساس کار خویش را قرآن قرار داده و سیره نبوی را از منظر قرآن تدوین کردند.

فصل چهارم و پایانی کتاب به آسیب‌شناسی فعالیت سیره‌پژوهان در بهره‌گیری از آیات قرآنی

اختصاص دارد. مهم‌ترین این آسیب‌ها که متوجه سیره‌نگاران کهن است، کم‌توجهی به آیات در بررسی‌های تاریخی است. ارائه نمونه‌های قابل توجهی از مخالفت برخی اخبار سیره با آیات قرآنی، به ویژه اخباری که منزلت و جایگاه رسول خداﷺ را زیر سؤال می‌برد، مؤید این بی‌توجهی است. برداشت ظاهری از آیات که با نگاه تک بعدی و مجزا دیدن هر آیه فراهم گشته، از موارد این آسیب‌هاست که رفع آن نیازمند مطالعه آیات الهی به گونه دسته‌ای و در یک سیاق است. جریان‌های سیاسی و دینی هم که برای تقویت موضع خود آیات را به نفع خویش به کار برده‌اند، در کتاب‌های سیره مواردی را به خود اختصاص داده‌اند.

از آنجا که این پژوهش حاصل استناد به اخبار بسیاری بوده و ملاحظاتی در درج این موارد در متن کتاب بوده است، بنابراین، در متن کتاب به ارائه نتایج بسنده شده و اخبار و موارد در شش پیوست در پایان تحقیق آمده است.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از استادان فرزانه‌ای که این نوشته به نحوی محصول خوشه‌چینی از خرمن دانش و علم آنان است قدردانی و سپاسگزاری نمایم، فرزانگانی چون دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، دکتر صادق آئینه‌وند، حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان و حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی میرشریفی.

همچنین از همکاران عزیز در مدیریت امور پژوهشی و ادارهٔ چاپ و انتشارات به‌ویژه آقایان اسماعیل یارمحمدی، سیدرضا علی‌عسکری، سیدحسین مرتضوی و حسن نصراللهی کارشناس گروه تاریخ قدردانی و تشکر می‌نمایم، بدون زحمات و همیاری ایشان این مختصر پای نمی‌گرفت.

این نوشته که گام نخست در این راه است، طبعاً خالی از اشتباه و اشکال نیست و نگارنده منتظر نقدها و نکته سنجی‌های اهل دانش و نظر است تا بتواند در فرصتی دیگر به اصلاح و تکمیل آن اقدام نماید. چنان که از راهنمایی‌های ارزشمند ناظران طرح جناب حجت‌الاسلام و المسلمین محمد هادی یوسفی غروی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی بهره برده و سپاس خویش را تقدیم آنان می‌کند.

منصور داداش نژاد

قم، تابستان ۱۳۹۲

فصل اول

کلیات

روند مراجعه به قرآن در مطالعات مربوط به سیره نبوی نیازمند بررسی است و در این باره سؤالاتی بدین گونه مطرح است: آیا سیره‌نگاران برای شرح و توضیح وقایع تاریخی عصر رسول خداﷺ به قرآن مراجعه کرده‌اند؟ اگر چنین است، چه روندی در این زمینه پیموده شده و با چه شیوه و رویکردی بدان اقدام شده است؟

برای دستیابی به پاسخ، لازم است به قدیمی‌ترین نگاشته‌ها در موضوع سیره نبوی مراجعه شود. برای این منظور، ابتدا موارد استفاده آیات در سخنان و نوشته‌های رسول خداﷺ، صحابه و سیره‌نویسان نخستینی که آثارشان در زمینه سیره نبوی در شمار کتاب‌های مفقود به شمار می‌رود بررسی شده و در ادامه، برای آگاهی از تحولات روی داده در این زمینه، به منابع کهن و جدید نگارش‌یافته در این موضوع مانند: سیره ابن هشام، مغازی واقدی (م ۲۰۷ق)، الطبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰ق) و سیره‌های معاصر پرداخته شده است.

ماهیت این تحقیق، تاریخ نگاری سیره است که از خلال بررسی استنادهای قرآنی کتاب‌های سیره، سیر تحول و تطور سیره‌نگاری با تأکید بر نحوه به کارگیری آیات روشن می‌شود. آنچه در این طرح پی‌گیری می‌شود، مربوط به گزارش‌های مندرج در کتاب‌هاست که در بوته نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. اصل موضوع استناد به قرآن پیش‌فرض این بحث است، و تنها کمّ و کیف آن بررسی می‌شود.

در این نوشته، سیر تطور و نحوه افزایش استناد به قرآن، خودستیزی‌های متن و اشکالاتی که از این زاویه بر گزارش‌ها وارد می‌شود، مورد تأکید قرار خواهد گرفت و برای اثبات مدعای خود که موضوع «رشد استناد به آیات» است، به صورت موردی روایات و گزارش‌های تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

به لحاظ روشی هر چند تکثیر و گسترش استناد به آیات قرآن در ادوار پس از عصر رسول خداﷺ را نتوان دلیل بر بطلان اصل خبر دانست، ولی در مواردی که نیاز به استناد به قرآن و محل آن بوده و در موقع خود چنین نشده، اما در منابع متأخرتر در بحث از همان موضوع به نقل از رسول خداﷺ یا صحابه استناد به قرآن صورت گرفته، می‌تواند قرینه‌ای بر ساخته‌شدن و افزوده شدن استناد به قرآن در آن خبر باشد.

برای موضوع مورد بحث در این پژوهش که بررسی سیر استناد به آیات از سوی سیره‌نویسان است، پیشینه خاصی وجود ندارد. نوشته‌هایی همسو با بخش‌هایی از این تحقیق تدوین شده‌اند که به شرح ذیل هستند:

ــ کتاب الاقتباس من القرآن الکریم، نوشته ابو منصور ثعالبی (م ۴۲۹ق) و کتاب رفع الباس و کشف الالتباس فی ضرب المثل من القرآن و الاقتباس، نوشته جلال‌الدین سیوطی که، هر دو می‌توانند در راستای ارائه نمونه‌هایی از استناد رسول خداﷺ و صحابه به قرآن کارساز باشند، اما به دور از دغدغه‌های پیگیری شده در این پژوهش و به صورت پراکنده، مواردی از استناد و اقتباس از آیات قرآنی را ارائه کرده‌اند.

ــ پایان نامه دکتری آقای محمدحسین دانش‌کیا با نام: مطالعه تطبیقی رخدادهای صدر اسلام به روایت منابع منتخب تاریخی با قرآن (مطالعه موردی غزوات بدر، اُحد و تبوک)، نگارش یافته برای دانشگاه معارف اسلامی قم، در سال ۱۳۹۱، تنها می‌تواند در عرصه یافتن نمونه‌هایی از ناهمخوانی آنچه برخی سیره‌نویسان یاد کرده‌اند با آیات قرآنی، در سه حادثه خاص و همچنین مباحث مقدماتی این رساله در موضوع روش و هدف قرآن از پرداختن به حوادث سیره کمک کند، اما در پی بررسی سیر تطور نگاه سیره‌نویسان به قرآن نیست.

ــ مقاله دکتر محسن الویری با عنوان «مقایسه ساختار متن قرآن و منابع تاریخی در گزارش رویدادهای منتخب عصر نبوی» منتشر شده در فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۳۸ سال ۱۳۸۸، در پی نشان دادن تفاوت ساختار متن قرآن کریم با منابع تاریخی از جمله منابع سیره نبوی است. این نوشته در بررسی تفاوت روشی قرآن و کتاب‌های سیره که از جمله مباحث مقدماتی این پژوهش هستند، راهگشاست، اما در هدف اصلی آن، که بررسی سیر تطور استناد به آیات از سوی سیره‌نویسان است کمکی نمی‌کند.

منابع:

مهم‌ترین منابع استفاده شده در سه دسته ذیل قابل ارزیابی هستند:

ـ کتاب‌های سیره و تاریخ

کتاب‌های سیره در شمار کهن‌ترین نگاشته‌های تاریخی به شمار می‌روند که زندگانی و حوادث عصر رسول خداﷺ را ثبت کرده‌اند. این کتاب‌ها بیشترین کمک را برای یافتن موارد استناد سیره‌نویسان به آیات قرآنی و در پی آن بررسی سیر تطور این موضوع داشته‌اند. کتاب‌های سیره نبوی همچون: سیره ابن هشام، مغازی واقدی، دلائل النبوة بیهقی، روض الانف سهیلی، سبل الهدی و الرشاد شامی، سیرة حلبیه حلبی که از برجسته‌ترین منابع مورد مطالعه بوده‌اند، در متن این نوشته و در جای خود بررسی و تحلیل شده‌اند. در کنار کتاب‌های سیره، کتاب‌های تاریخ و تراجم نیز به عنوان کتاب‌هایی که سیره رسول خداﷺ را پوشش داده‌اند، در زمره منابع این تحقیق بوده‌اند، کتاب‌هایی چون الطبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰ق)، انساب الاشراف بلاذری (م ۲۷۹ق)، تاریخ طبری (م ۳۱۰ق) و المعجم الکبیر طبرانی (م ۳۶۰ق). این کتاب‌ها حاوی مواد خام و اطلاعات اولیه مربوط به استفاده از آیات قرآنی در شرح زندگانی پیامبرﷺ هستند.

ـ کتاب‌های حدیث

کتاب‌های حدیثی در انواع گوناگون آن همچون مُصَنَّف، مُسند، سُنن و صحاح از آثار کهنی هستند که بخش‌هایی از سیره رسول خداﷺ را پوشش داده‌اند. این نوشته‌ها در کنار کتاب‌های سیره و هم عرض با آن پدید آمده‌اند و سیره پیامبرﷺ را از منظری دیگر پی‌گرفته و استنادات قرآنی مربوط به حوادث عصر رسول خداﷺ را نیز نقل کرده‌اند. کتاب‌هایی چون مسند طیالسی (م ۲۰۴ق)، مصنف عبد الرزاق (م ۲۱۱ق)، مصنف ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ق)، مسند احمد (م ۲۴۱ق) و کتاب‌های صحاح سته، از جمله مهم‌ترین این کتاب‌ها هستند. کتاب‌های حدیثی از دو جهت در این تحقیق دارای اهمیت بوده‌اند. نخست اینکه مصادر، منابع و طرق این کتاب‌ها برای نقل و به‌کارگیری آیات، متفاوت از سیره‌نگاران بوده و گاه این موارد در کتاب‌های سیره و تاریخ یافت نمی‌شوند و یا با تفاوت‌هایی نقل شده‌اند. دوم، این کتاب‌ها معمولاً نصوص خود را با اسناد کامل نقل کرده‌اند که به واسطه آن می‌توان به ریشه اصلی روایت دست یافت. این ویژگی از آن جهت با اهمیت است که کتاب‌های سیره و تاریخ گاه مطالب قرآنی را بدون استناد آورده‌اند که به کمک این موارد می‌توان به ریشه یکسان مطالب دست یافت.

کتاب‌های حدیثی شیعه مانند کافی کلینی (م ۳۲۹ق)، من لایحضره الفقیه صدوق (م ۳۸۱ق)، تهذیب و استبصار شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) متأسفانه کمتر موارد قرآنی مربوط به سیره رسول خداﷺ را ذکر کرده‌اند.

ـ کتاب‌های تفسیر

کتاب‌های تفسیر ذیل آیات به صورت منظم به نقل اقوال و نظریات پرداخته‌اند. اهمیت این منابع بدان جهت است که موارد بیشتری از آیاتی را که می‌توانسته به سیره نبوی ارتباط داشته باشند را منعکس کرده‌اند. مهم‌ترین کتاب‌های تفسیری مورد استفاده در پژوهش از میان منابع اهل سنت عبارت‌اند از: تفسیر مُقاتل (م ۱۵۰ق)، تفسیر القرآن عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق)، جامع‌البیان طبری (م ۳۱۰ق)، تفسیر القرآن ابو حاتم رازی (م ۳۲۷ق)، معالم التنزیل بَغَوی (م ۵۱۶ق)، تفسیر القرآن ابن کثیر (م ۷۷۴ق) و الدّر المنثور سیوطی (م ۹۱۱ق).

ویژگی کتاب‌های تفسیری شیعه همچون تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ق)، تفسیر علی‌بن‌ابراهیم قمی (م ۳۲۹ق)، تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، مجمع البیان طبرسی (م ۵۴۸ق)، ارائهٔ برجستهٔ جایگاه اهل‌بیت‌علیهم‌السلام، به ویژه امام علی‌علیه‌السلام در سیره نبوی است و از همین جهت تفاوت‌هایی در باب شأن و سبب نزول آیات و موارد استناد به آیات با کتاب‌های تفسیری اهل‌سنت دارند. تفاوت دیدگاه در کتاب‌های شیعی با آنچه در منابع مرسوم وجود دارد نقد و بررسی و پی‌گیری تطور استناد به آیه در میان گروه‌های مختلف را بهتر روشن می‌کند.

۱. سیره نویسی و انواع آن[۱]

سیره‌نویسی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری و سنگ بنای آن است که در بالندگی دانش تاریخ نقش شایانی داشته است. سیره به معنای روش، رفتار و حالت است و کتاب‌های سیره به لحاظ محتوا اخبار مربوط به ظهور اسلام و شرح زندگانی رسول خداﷺ از ولادت تا وفات را در بر می‌گیرند. این کتاب‌ها اخبار مربوط به آغاز اسلام و شرح احوال و تاریخ غزوه‌های رسول اکرمﷺ، راه و رسم آن حضرت و کیفیت موضع‌گیری‌های پیامبر در برابر وقایع و حوادث و رخدادها را بحث و بررسی می‌کند.

---

۱. برای تدوین این بخش، از کتاب‌های: سیری در سیره نویسی نوشته سید محمدباقر حجتی؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، نوشته صادق آئینه‌وند؛ تاریخ نگارش‌های عربی، نوشته فؤاد سزگین و المغازی الاولی و مُؤَلِّفُوها، نوشته هورویتس استفاده شده است.

نگارش‌های کهن مربوط به رسول خداﷺ با دو عنوان «مغازی» و «سیره» تدوین یافته‌اند. مغازی، به معنای جنگ‌ها، گاه در کاربرد اخص واژه و صرفاً شامل بررسی جنگ‌های رسول خداﷺ، به کار رفته است که نمونه آن کتاب مغازی واقدی (م ۲۰۷ق) است که به لحاظ محتوا تنها شامل بررسی جنگ‌های آن حضرت است و گاه در معنای اعم آن، که مرادف با سیره است و شامل زندگانی رسول خداﷺ در دوران مکی و مدنی می‌شود به کار رفته است: چنان که در عنوان کتاب کلاعی (م ۶۳۴ق)، الاکتفاء بما تضمنه فی مغازی رسول الله و الثلاثة الخلفاء، به همین معنا به کار رفته و کتاب مشتمل بر کل مباحث مربوط به دوران رسول خداﷺ اعم از دوران مکی و مدنی است.

بنابراین، سیره و مغازی در اصطلاح به جای یکدیگر به کار رفته‌اند و مراد از مغازی معمولاً همان بیان سیره رسول خداست. از این رو، ابن ندیم در فن اول، هنگامی که در صدد بیان نگارش‌های سیره است، کتاب‌های مغازی را نیز یاد می‌کند و واقدی را که تخصص در مغازی داشته، به عنوان متخصص در سیره بر می‌شمارد.[1] واژه «مغازی» در عنوان کتاب‌های کهن مربوط به سیره رسول خداﷺ پر تکرارتر است و پیش از واژه «سیره» به کار رفته است. کاربرد واژه «سیره» در عناوین کتاب‌های مربوط به پیامبر متأخر از واژه «مغازی» است و در اواخر قرن دوم و در تهذیب کتاب ابن اسحاق، از سوی ابن هشام (م ۲۱۸ق) به کار رفته است.

علل و عواملی در رشد و شکوفایی دانش سیره تأثیر داشته‌اند. منزلت والا و برجسته رسول خداﷺ در قرآن؛ وابسته بودن فهم بهتر و دقیق‌تر قرآن به آگاهی از سیره نبوی؛ نیاز عملی به شناخت سیره نبوی با فاصله گرفتن از عصر پیامبر و گسترش اسلام در سرزمین‌های تازه فتح شده و شوق نومسلمانان به آگاهی از بنیان‌گذار دین اسلام، همه از عواملی بودند که پرداختن به سیره را تشویق و انگیزه‌ها را برای دانستن تاریخ و سیره پیامبر، تقویت می‌نمودند.

۱ ــ ۱. آغاز سیره‌نویسی

سیره نبوی در آغاز بخشی از دانش حدیث بود و محدثان در کتاب‌های خویش روایات سیره و مغازی را نیز گرد آوری می‌کردند. پایه اطلاعات مربوط به رسول خداﷺ اوراق، رساله‌ها و نوشته‌های کوچک مربوط به حوادث عصر آن حضرت بود که از سوی صحابه تدوین شده بودند. این نوشته‌ها که از سوی افرادی چون سعیدبن‌سعدبن‌عباده خزرجی (والی امام علی‌علیه‌السلام بر یمن) و سهل‌بن‌ابی حثمه انصاری (متوفی در عصر معاویه) تدوین شده بودند، باقی نماندند،

---

۱. ابن ندیم، فهرست، ص۱۳۱ و ۱۳۷.

اما مورد استفاده تدوین کنندگان بعدی متون قرار گرفتند. حرکت تدوین سیره و تاریخ پیامبرﷺ در نسل اول و دوم تابعین با قوت بیشتری ادامه یافت و مغازی‌نویسانی همچون عروةبن‌زبیربن‌عوام (م ۹۴ق)، ابان‌بن‌عثمان‌بن‌عفان (م ۱۰۵ق)، ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ق) و موسی‌بن‌عقبه (م ۱۴۱ق) پدید آمدند که هر یک با روش خویش به تدوین مغازی رسول خداﷺ اقدام کرده و تألیفاتی از خود بر جای گذاشتند. نوشته‌های اینان هر چند پر حجم‌تر از نوشته‌های اولیه صحابه بود، اما سرنوشتشان همچون سرنوشت نگارش‌های اولیه بود و هیچ یک از آن تألیفات باقی نماند و تنها می‌توان رد پای آنها را در کتاب‌های جامع پس از این دوره ملاحظه کرد. با ملاحظه نمایندگان این دوره که پرورش‌یافتهٔ شهر مدینه بودند، می‌توان دانش سیره را دانشی مدنی و خاستگاه آن را شهر مدینه دانست.

دانش سیره در این دوره که هم‌زمان با خلافت امویان (۴۰ــ۱۳۲ق) بود، گسترش کاملی نیافت و این به جهت مواضع امویان در باب سیره رسول خداﷺ و سبک فرهنگی آن عصر بود. سیره نبوی حاوی گزارش‌هایی از پیشینه سوء امویان در مقابله با پیامبر بود و جایگاه شایسته‌ای را برای انصار که اینک در شمار مخالفان و رقبای دولت اموی بودند، ترسیم می‌کرد؛ از این رو، امویان پخش و گسترش اخبار سیره نبوی را به ضرر خویش می‌دیدند و با این توجیه که پخش این نوع اخبار موجب تحریک کینه‌ها و دشمنی‌های قدیم می‌شود، رغبتی برای حمایت دولتی از سیره‌نگاری از خود نشان نمی‌دادند. تلاش‌ها در این دوره بیشتر بر اساس علاقه‌های شخصی نویسندگان بود و جز دوران کوتاه مدت حکومت عمربن‌عبد العزیز (۹۹ــ۱۰۱ق) که نویسندگان را تشویق به نگارش و تدوین حدیث کرد، دیگر خلفا در این راه تلاشی نکردند. همچنین، کمبود نوشت‌افزار و دشواری تهیه آن از موارد دیگری بود که سنّت حفظ و شفاهی‌گرایی را کمک می‌کرد و این عامل موضوع نگارش و تدوین سیره نبوی را به تأخیر می‌انداخت.

بر اساس فهرست ارائه شده از سوی فؤاد سزگین، مهم‌ترین سیره‌نویسان عصر اموی که میراثی از خود به یادگار گذاشته‌اند، نوزده نفر هستند که شاخص‌ترین آنان عبارت‌اند از: عروةبن‌زبیر مدنی (م ۹۴ق)؛ ابان‌بن‌عثمان‌بن‌عفان (م ۱۰۵ق) و ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ق) که نوشته‌ها و منقولات آنان در کتاب‌های جامع بعدی که در عصر عباسی تدوین شدند، وارد شده‌اند.

دانش سیره در عصر عباسیان (۱۳۲ق به بعد) شاهد رشد و شکوفایی بود. در این عصر، به سبب ارتباط و تبادل فرهنگی با ملل و اقوام و تمدن‌های دیگر، تحولی کیفی در نگارش سیره

پدید آمد. سیره‌نگاری در این عصر جامع‌تر، روش‌مندتر عرضه شد و افزون بر اینکه از حمایت دولتی برخوردار شد، به لحاظ شکل و اسلوب و ساختار نیز قوام یافت و در کنار علوم دیگری چون حدیث و تفسیر و فقه، شاخه‌ای مستقل از دانش گشت. نویسندگان سیرهٔ در این عصر کسانی بودند که در درجه اول مورخ و در مرتبه بعد محدث بودند. کتاب‌های سیرهٔ پدید آمده در این دوره، بر خلاف دوره امویان که تنها بخش‌هایی از موضوعات و حوادث سیره را پوشش می‌دادند، به همه بخش‌های حوادث عصر رسول خداﷺ توجه می‌کردند و دوره آن حضرت را به صورت کامل از پیش از بعثت تا وفات آن حضرت در بر می‌گرفتند که نمونه روشن آن سیره ابن اسحاق است که از سه بخش مُبتَدا (پیش از بعثت)، مبعث (دوران مکی) و مغازی (دوران مدنی) تشکیل شده بود.

چهره سرآمد سیره‌نویسان در این عصر محمدبن‌اسحاق (م ۱۵۱ق) بود که کتاب خویش را به خواهش ابوجعفر منصور (۱۳۶ــ۱۵۸ق) دومین خلیفه عباسی به نگارش در آورد. کتاب ابن اسحاق از سوی ابن هشام (م ۲۱۸ق) تهذیب و پالایش شد و نام کتاب را سیرة رسول الله گذاشت: هذا کتاب سیرة رسول اللهﷺ و آنچه اینک در اختیار است همین تهذیب است. نوشته ابن اسحاق، اساس سیره نبوی شد و نویسندگان بعدی به شرح و تفصیل و اختصار و نظم آن همت گماشتند و هر که پس از او در دانش سیره آمد، عیال او شد.

سزگین به معرفی شانزده تن از نویسندگان سیره، از آغاز عصر عباسی (۱۳۲ق) تا حدود ۴۳۰ق پرداخته که شاخص‌ترین این افراد عبارت‌اند از: محمدبن‌اسحاق (م ۱۵۰ق)؛ محمدبن‌عمر واقدی (م ۲۰۷ق) و محمدبن‌سعد زهری (م ۲۳۰ق). کتاب‌های این سه نویسنده باقی مانده و نویسندگان بعدی با اتکا به همین کتاب‌ها نوشته‌های خویش را سامان داده‌اند.[۱]

۱ ــ ۲. گونه‌های سیره‌نویسی

نگارش‌های اولیه مربوط به رسول خداﷺ در قالب مغازی و سیره‌نگاری بود. به مرور و از قرن سوم به بعد، نگارش سیره نبوی در شکل‌ها و گونه‌های مختلف ادامه یافت. افزون بر کتاب‌هایی که به صورت مستقل در باب سیره نبوی تدوین شدند، سیره نبوی بخشی از کتاب‌های دیگر نیز قرار گرفت. سیره نبوی در کتاب‌های تاریخ عمومی، مانند تاریخ خلیفةبن‌خیاط (م ۲۴۰ق)، تاریخ یعقوبی (م ۲۹۲ق) و تاریخ طبری (م ۳۱۰ق) به عنوان یکی از حلقه‌های تاریخی مورد

---

۱. سزگین، «تاریخ نگارش‌های عربی»، ج۱، ص۳۹۷.

توجه قرار گرفت و بخش قابل توجهی را بـه خـود اختصـاص داد. همچنـان کـه سـیره نبـوی در کتاب‌های تراجم و طبقات، همچون طبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰ق) و کتـاب الثقـات ابـن حبان بستی (م ۳۵۴ق) به بحث گزارده شد و کتاب‌های انساب، همچون نسب قـریش مصـعب زبیری (م ۲۳۶ق) و انساب الاشراف بلاذری (م ۲۷۹ق)؛ کتاب‌های حدیثی، همچون مصـنف عبد الرزاق (م ۲۱۱ق) و صحیح بخاری (م ۲۵۶ق)؛ کتاب‌های بلدان و جغرافیـا، ماننـد اخبـار مکه ازرقی (م ۲۴۴ق) و تاریخ مدینه عمر به شَبَّه (م ۲۶۲ق) به تاریخ و سـیره رسـول خـدا صلی الله علیه و آله پرداختند و بخش قابل اعتنائی از کتاب‌های خویش را به ثبت اطلاعات تاریخی مربوط به عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص دادند.

همچنین برخی موضوعات و مقاطع سیره نبوی به صورت مستقل مـورد عنایـت نویسـندگان قرار گرفت و در این کتاب‌ها تلاش شد همه اخبار مربوط به آن موضوع گرد هم آید. نگارش‌های پدیدآمده درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله تابع گفتمان‌ها و جریان‌های رایج هر عصر بـود و در هـر دوره‌ای یکی از شکل‌های سیره‌نگاری تقویت و به عنوان شکل غالـب سـیره‌نگاری در آن عصـر خـود را نشان داده است. مهم‌ترین شکل‌های سیره‌نگاری بدین شرح‌اند:

– **سیره و مغازی.** نگارش زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب سیره و مغازی که معمولاً با رویکرد تاریخی همراه بوده، جریـانی قـوی و پردامنـه در نگـارش سـیره نبـوی بـوده اسـت. در رویکـرد تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیتی تاریخی که در زمانی به دنیا آمده، بـزرگ شـده، مبعـوث شده، دوران مکی و مدنی را پشت سر گذاشته و سپس رحلت کرده است، مطرح می‌شود و سـیر زمانی و تاریخی سیره در بیان و ترتیب مباحث پی‌گرفته می‌شود. بسیاری از نوشـته‌های سـیره در قالـب رویکـرد تـاریخی تـدوین شـده اسـت. سـیره ابـن هشـام (م ۲۱۸ق) و مغـازی واقـدی (م ۲۰۷ق) از مهم‌ترین نگارش‌ها در این شکل هستند.

– **شمایل نگاری.** در این گرایش از سیره‌نگاری که با رویکرد اخلاقـی پی‌گیـری مـی‌شـود، ویژگی‌های ظاهری (سیما، صفات جمـال) و خـوی و خصـلت پیـامبر (صـفات کمـال، سـیره رفتاری) بررسی می‌شوند. این کتاب‌ها به بیان آداب و سننی می‌پردازند کـه رسـول خـدا صلی الله علیه و آله بـر اساس آنها رفتار می‌کرده است. آداب معاشـرت بـا مـردم و آداب و سـنن فـردی، همچـون نـوع پوشش و آرایش و زینت از جمله مسائلی هستند که در ایـن کتاب‌هـا پـی گرفتـه مـی‌شـوند. در زمانی که حکمرانان و خلفای عباسی در زندگی خویش از سبک و سیره رسول خـدا صلی الله علیه و آله فاصـله گرفته بودند، تدوین این کتاب‌ها ضرورتی برای جامعه مسلمان بود، تا بدین وسیله الگـوی برتـر

مسلمانان در عرصه‌های مختلف، معرفی و به صورت برجسته اعمال و رفتارهای وی در اختیار علاقه مندان آن حضرت قرار گیرد.

مهم‌ترین کتاب‌های باقی‌مانده به این شیوه، کتاب الشمائل النبویة، از تِرمذی (م ۲۷۹ق) و کتاب اخلاق النبی و آدابه، از ابو الشیخ عبد الله‌بن‌محمد اصفهانی (م ۳۶۹ق) است. کتاب‌های اوصاف النبی مانند کتاب اوصاف النبی از ابن بابویه قمی (م ۳۸۱ق) و کتاب‌های خصائص النبی، مانند خصائص النبی، از ابن مُلقِّن عمربن‌علی (م ۸۰۴ق) در رده کتاب‌های شمائل دسته بندی می‌شوند. سنن نگاری‌ها که بر محور رفتارهای پیامبر به نگارش در آمده‌اند و درصددند تا با رویکرد الگویی و اخلاقی به ارائه روش‌های کلی و اصول اساسی زندگانی پیامبر بپردازند نیز در همین دسته نگارش‌ها جای دارند.[۱]

ــ **دلائل نگاری**. در عصری که افکار الحادی رواج یافتند و شبه‌هایی در باب نبوت رسول خداﷺ پیدا شدند، کتاب‌هایی پدید آمدند که یکسره زندگانی آن حضرت را از دیدگاه دلیل و معجزه به بحث گذاردند و در صدد اثبات نبوت رسول خدا از این راه برآمدند. این رویکرد، رویکردی غیبی و ماورائی به سیره نبوی بود و جاذبه فراوانی به همراه داشت و زمینه‌های آن با توجه به عظمت رسول خداﷺ و سترگی کار وی و پیشرفت سریع و شگفت اسلام فراهم آمده بود. دلائل نگاری، هر چند اندکی پس از نگارش سیره‌های مرسوم و متداول پیدا شد، اما به صورت گستره از قرن چهارم به بعد مورد توجه قرار گرفت و به عنوان جریانی قوی در عرصه نگارش‌های مربوط به سیره نبوی ظاهر گشت. تعداد نگارش‌های با این محتوا تا قرن نهم بیش از چهل تألیف برآورد می‌شود که در عنوان این کتاب‌ها افزون بر واژه دلائل، گاه واژه‌های اَعلام النبوة یا اِثبات النبوة نیز به کار رفته‌اند. مهم‌ترین این‌گونه کتاب‌ها که باقی مانده‌اند عبارت‌اند از: الدین و الدولة فی اثبات نبوة النبی، از علی‌بن‌رَبَّن طبری (م ۲۶۰ق)؛ دلائل النبوة، از ابوبکر فریابی (م ۳۰۱ق)؛ دلائل النبوة، از ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)؛ اعلام النبوة، از ماوردی (م ۴۵۰ق)؛ دلائل النبوة، از بیهقی (م ۴۵۸ق)؛ دلائل النبوة، از قوام السنه اصفهانی (م ۵۳۵ق).[۲]

ــ **مولِد نگاری**. از قرن ششم به بعد، نگارش کتاب‌هایی با عنوان «مولد النبی» افزایش و

---

۱. نوری، «مأخذ شناسی اخلاق رسول اکرمﷺ»، مجله اخلاق، ش ۵ـ۶؛ سال ۱۳۸۵؛ محمدی، «شمایل‌شناسی رسول خدا»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۱ـ۶۲ سال ۱۳۸۱؛ حسینیان مقدم، «اخلاق‌نگاری در سیره نبوی»، کتاب ماه تاریخ جغرافیا، شماره ۶۱ـ۶۲، سال ۱۳۸۱.

۲. ر.ک: خانجانی، «دلائل نگاری در سیره نبوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۱ـ۶۲ سال ۱۳۸۱.

تقویت یافت. جشن‌هایی که از این دوره به بعد برای سالروز میلاد پیامبرﷺ برگزار می‌شد، ضرورت و لزوم تدوین این کتاب‌ها را توجیه می‌کرد، به گونه‌ای که بیش از ۳۱۵ عنوان کتاب در این موضوع نگارش یافته است.[۱]

۱ ــ ۳. سیره‌نگاری در عصر حاضر

نویسندگان دوران معاصر با رهیافت‌های جدیدی سراغ سیره نبوی رفته‌اند. دو رهیافت مهم در این عصر که ناظر به تحولات پیش آمده در جوامع مسلمان بوده عبارت‌اند از: رهیافت علمی و رهیافت جنبشی.

رهیافت علمی، با توجه به تغییرات و نهضت علمی غرب، اساس کار خویش را تعریف کرد. در این روش، به علل و عوامل مادی توجه جدی می‌شود و تا جایی که امکان دارد به اعجاز و جنبه‌های خارق العاده امور و حقایق غیبی توجهی نمی‌شود، یا از آن تفسیرهای مادی ارائه می‌گردد. برای نمونه، حمله مرغان ابابیل به سپاه ابرهه، به بیماری آبله تفسیر شده، معراج رسول خداﷺ به سیاحت روح و عالَم رؤیا تفسیر می‌شود؛ فرشتگان مددکار در جنگ بدر به عنوان امدادهای روحی مبارزان قلمداد می‌شوند و نهضت دینی پیامبر، حرکتی با انگیزه‌های اقتصادی و قیام فقرا علیه اغنیا معرفی می‌شود. از نمونه‌های روشن رویکرد علمی در عصر حاضر کتاب حیاة محمدﷺ، نوشته محمد حسین هیکل است که با وام‌گیری از فلسفه طبیعت‌گرایی و موضع آن در برابر مسائل دینی تدوین شده و نویسنده چنین می‌اندیشد که بخشی از محتوای کتاب‌های سیره با منطق سازگاری نداشته و در قلمرو اندیشه علمی راه نمی‌یابند و هیچ نسبتی با روش علمی ندارند.[۲]

مستشرقان که با روش‌هایی نو در عصر حاضر به بررسی سیره نبوی همت گماشتند با همین رهیافت، به مطالعات خویش به سیره نبوی پرداخته‌اند. باور به غیب و آسمانی بودن دین اسلام از اساسی‌ترین موضوعاتی هستند که سیره‌نگاران مسلمان در تدوین سیره بدان توجه داشته‌اند، اما مستشرقان در مطالعات سیره نبوی در این چارچوب به مطالعه سیره نپرداخته و دستاوردهای متفاوتی به دست آورده‌اند. استناد به اخبار شاذ و مبالغه در شک، توجه به فرض‌های بی اساس و نیز ربط دادن دستاوردهای سیره نبوی به ریشه‌های یهودی یا مسیحی، سه اشکال اساسی پژوهش‌های مستشرقان در باب سیره نبوی هستند.

---

۱. ر.ک: جعفریان، «کتابشناخت مولد النبی»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۱ـ۶۲ سال ۱۳۸۱.
۲. ر.ک: حسینی، «رهیافت‌های معاصر در پژوهش سیره نبوی»، آئینه پژوهش، شماره ۴۷.

رهیافت دیگر، رهیافت جنبشی است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و با آغاز تهاجم استعمار به سرزمین‌های اسلامی که همراه با تهاجم به باورهای اسلامی بود، حرکتی در بازخوانی مجدد سیره نبوی به منظور احیای مجدد و عظمت پیشین و تمدن اسلامی آغاز شد و قرائت جدیدی از سیره پیامبرﷺ که حاوی بیداری و حرکت بود رواج یافت. کتاب‌هایی که با عنوان فقه السیرة النبویة پدید آمدند، از دستاوردهای این نگاه به سیره نبوی هستند. هدف از نگارش فقه السیره‌ها، تبدیل داده‌های اطلاعاتی کتاب‌های کهن سیره به فقه اسلامی و برنامه زندگی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مسلمانان بود. تلاش نویسندگان در این فعالیت‌ها بر آن بود که سیره نبوی نقش جدی‌تری در ساختن نظام فکریْ فقهی جامعه مسلمانان بر عهده گیرد. کتاب‌های فقه السیره از سوی دانشمندانی چون محمد غزالی، رمضان البوطی، مُنیر محمد غضبان پدید آمدند.

سیره‌نویسان معاصر افزون بر رویکردهایی که در نگارش سیره نبوی سابقه داشته‌اند، مانند رویکرد تاریخی، رویکرد فقهی و رویکرد حدیثی، به تناسب نیاز و ضرورت زمان با رویکردهای جدیدی همچون، رویکرد تربیتی، رویکرد ادبی داستانی، و رویکرد موضوعی (بررسی موضوعی خاص مانند زنان در سیره نبوی) به بررسی و نگارش سیره نبوی اهتمام کرده‌اند.

۱ ــ ۴. آسیب‌های سیره‌نگاری

جریان سیره‌نگاری در دوران بلند حیات خویش دچار آسیب‌هایی بدین شرح بوده است:

ــ تکیه بر روش روایی و وقایع نگاری بی‌روح و فاقد نقادی که گاه همراه با خود ستیزی‌های متن است، از آسیب‌هایی است که دامن کتاب‌های سیره را از آغاز در بر گرفته است. توصیف و نقلِ صحیح هر چند پایه و اساس پژوهش است و با شرایطی می‌تواند تبیین تاریخی را نیز همراه خود کند، اما گاه نقل‌های خام، پالایش نشده و ناسازگار، چهره رسول‌خداﷺ را مخدوش می‌سازد که نمونه روشن آن افسانه غرانیق است. در دوران جدید محققان سیره تلاش کرده‌اند تا با ارائه آثاری نوین، از منظری جدید به سیره نگریسته و ضعف‌ها و پیرایه‌های بسته شده بر سیره را بزدایند و با تجزیه و تحلیل حوادث سیره و برخورد نقادانه با اخبار، به تدوین سیره صحیح بپردازند.

ــ غلبه نگاه نظامی بر سیره رسول خداﷺ از جمله آسیب‌های جدی و کهن بر نگارش‌های سیره نبوی است. ذهن و ضمیر سیره‌نویسان کهن نوعاً متوجه روایات مربوط به جنگ‌های پیامبر

و برخوردهای ایشان با مخالفانش بوده است و تربیت و مکارم اخلاق که رسالت اصلی پیامبر بوده، در نوشته‌های آنان مغفول مانده است. پیامبرﷺ در منابع سیره کهن، بیشتر یک جنگجو و مجاهد شمشیر به دست است که بیشترین همت خود را نه صرف هدایتگری، بلکه صرف تجهیز سپاه و اعزام به غزوه و سریه می‌کند. فرهنگ، جامعه و اقتصاد عصر رسول خداﷺ در این نگارش‌ها با بی‌توجهی مواجه شده است.

ــ حاکمیت تقدس و پیچاندن زندگانی معمولی و بشری رسول خداﷺ در هاله‌ای از قداست، به ویژه در کتاب‌های دلائل نگاری، از آسیب‌های دسته‌ای از نگارش‌های سیره نبوی است؛ این نگاه پیامبر را از جنبه‌های زندگی عرفی و بشری دور ساخته و الگو گرفتن از زندگانی پیامبرﷺ را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

ــ گرفتاری سیره نبوی در دام گرایش‌های سیاسی که به تحریف آن منجر شد، نیز از دیگر آسیب‌هاست. سیره‌نویسان گاه به نفع افراد قدرتمند و فرهمند جامعه، گزارش‌های سیره‌ای را تعدیل کرده‌اند و در نقل تاریخ به محافظه‌گرایی کشیده شده‌اند، به‌ویژه تصویری که از همراهی صحابه با رسول خداﷺ در کتاب‌های سیره ارائه می‌شود، از این آسیب مبرا نیست.

ــ رویکرد داستانی به سیره پیامبر و آمیخته شدن کتاب‌های سیره به داستان، از آسیب‌های برخی از این نگارش‌هاست. در این روش، بدون ذکر اسناد و مدارک و برای انتقال بهتر روح حادثه و جذب مخاطب از قالب داستان استفاده می‌شود، هر چند این رویکرد، اهدف خود را دنبال می‌کند، اما گاه اطلاعات این کتاب‌ها به عنوان اطلاعات واقعی تاریخی قلمداد و تلقی به قبول شده‌اند و در کتاب‌های دیگر به عنوان یک حادثه تاریخی ثبت شده و ادامه حیات یافته و آثار اجتماعی بر آن بار شده است. کتاب‌های مولد النبی از جمله کتاب الانوار فی مولد النبی المختار نوشته ابو الحسن بکری (قرن هفتم) چنین رویکردی را در سیره پیامبر پی گرفته است.

۲. سیره نبوی در قرآن

۲ ــ ۱. دامنه اطلاعات سیره‌ای در قرآن

پژوهشگران معاصری که در باب منابع سیره نبوی به نگارش دست زده اند، یکی از اصلی‌ترین منابع سیره را قرآن کریم برشمرده‌اند.[۱] قرآن کریم اصیل‌ترین و معتبرترین منبع شناخت زندگانی

---

۱. ر.ک: رزق الله احمد، «السیرة النبویة فی ضوء المصادر الاصلیة»، ج۱، ص۱۸؛ حماده، مصادر السیرة النبویة و تقویمها، ص۵۱.

رسول خداﷺ است که بیشتر سوره‌های آن—به تلویح یا تصریح—درباره پیامبرﷺ و مسائل مرتبط با جامعه آن دوره اطلاعاتی در بر دارند. قرآن کریم در بر دارنده اطلاعاتی در باب تاریخ آفرینش، تاریخ انبیای الهی از آدم تا خاتمﷺ، سرگذشت امت‌های گذشته و اخبار مربوط به رسول گرامی اسلام است. آیاتی که در قرآن به تبیین سیره نبوی پرداخته‌اند دو گونه‌اند؛ بخشی از آیات صریح در بیان واقعه‌ای خاص هستند و انصراف بدان حادثه دارند که برای نمونه آیات مربوط به بدر،[۱] حنین[۲] و جدایی زیدبن‌حارثه از زینب بنت جحش و ازدواج پیامبرﷺ با زینب[۳] چنین است که خود آیه بدون ضمیمه شدن به کتاب‌های تاریخی و تفسیری اشاره به حادثه‌ای خاص و عنوان‌دار می‌کند. برخی آیات دیگر نیز که تعداد آنها بیشتر از نوع اول است، بدون نام بردن از حادثه‌ای با اشاراتی که انصراف به آن حادثه دارد به بیان مطلب پرداخته‌اند. در واقع، بیشتر آیات قرآن بدون ضمیمه شدن اطلاعات جانبی کتاب‌های تاریخی و تفسیری انصراف به حادثه خاصی از عصر رسول خداﷺ نمی‌یابند و تنها با توجه به این اطلاعات است که آیات قرآن با حوادث خاصی پیوند یافته و بدان انصراف می‌یابند. در این عنوان، در صدد هستیم فهرستی از مطالب و حوادث مربوط به سیره رسول خداﷺ را که قرآن به آنها اشاره کرده است، گرد آوریم تا حجم اطلاعات مربوط به سیره نبوی در قرآن مشخص گردد. این موارد را در چهار عنوان: عصر جاهلی، دوران مکی، دوران مدنی و شخصیت محمدﷺ عرضه می‌کنیم. ملاک ما در ارتباط داشتن آیه با حادثه‌ای خاص، کتاب‌های تاریخ و تفسیر بوده است؛ هر چند خود آیه به تنهایی اشاره به حادثه خاصی نداشته باشد و به صراحت نتوان آن آیه را درباره آن حادثه خاص دانست.

۲ـ۱ـ۱. پیش از بعثت پیامبر[۴]

قرآن کریم حاوی تاریخ مجمل عرب در دوران جاهلیت است و به عنوان یکی از منابعی به شمار

---

۱. «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل‌عمران، ۱۲۳).

۲. «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ» (توبه، ۵۲).

۳. «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَراً زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَراً وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً» (أحزاب، ۳۷).

۴. ر.ک: خزعلی، تصویر عصر جاهلی در قرآن ؛ الناصر و درویش، الحیاة الدینیة عند العرب بین الجاهلیة و الاسلام؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام؛ نایف، الشحود القرآن الکریم فی مواجهة الجاهلیة.

می‌رود که اطلاعات و گزارش‌های معتبری درباره دوران جاهلیت دارد.[۱] آیات قرآنی نمایی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، دینی، اقتصادی و فرهنگی عصر جاهلیت را بیان کرده و شناخت تحولات و تغییرات اجتماعی عصر پیامبرﷺ منوط به شناخت دقیق عصر جاهلی است؛ زیرا مشکلات و ناهنجاری‌های عصر رسول خداﷺ، همان مشکلات عصر جاهلی بود که به دوران رسول خداﷺ رسیده بود. در پرتو شناخت عصر جاهلیت، اقدامات اساسی پیامبر برای گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی قابل شناساسی است و آگاهی از موفقیت‌ها و دگرگونی‌هایی که رسول خداﷺ در جامعه و اخلاق مردم پدید آورد، وابسته به شناخت انحطاط و انحرافات عصر جاهلی است. از این رو، آیات الهی ویژگی‌ها، مشخصات و آداب و اعتقادات رایج در شبه جزیره عربی، به ویژه بخش مرکزی آن را در آیات متعددی بیان کرده است. دین اسلام و آیات الهی در خصوص باورها، عادات و آداب عصر جاهلی به چهار گونه رفتار کردند: ۱. برخی را تأیید و تقریر و امضا نمودند؛ ۲.برخی را نفی و ابطال کردند و به مبارزه با آن برخاستند؛ ۳. برخی را اصلاح و تعدیل کردند؛ ۴. در برابر برخی دیگر سکوت کرده، و به اختیار مردم نهادند.

بر اساس آیات استفاده شده در کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، نوشته جواد علی، که مفصل‌ترین کتاب در موضوع جاهلیت است، می‌توان بیش از ۶۸۰ آیه، از آیات قرآنی را که مرتبط با عصر جاهلی است شناسایی کرد. مجموع اطلاعات و گزارش‌های قرآنی در یاد از جاهلیت در چند محور ذیل دسته بندی شده و در هر محور تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

ــ اعراب کهن و موقعیت ویژه جزیرة العرب

قرآن کریم از اعراب بائده همچون عاد و ثمود در آیات قرآنی یاد می‌کند (اعراف، ۶۵؛ عنکبوت، ۳۸)؛ مکه و جایگاه برتر آن را در جزیرة العرب روشن می‌نماید (بقره، ۱۲۶؛ ابراهیم، ۳۷؛ آل‌عمران، ۹۷). حرمت حرَم را یادآور می‌شود (آل‌عمران، ۹۷) و نمونه‌ای از حفاظت کعبه از سوی خداوند را گزارش می‌کند که نابودی اصحاب فیل از آن جمله است (بقره، ۱۲۷؛ فیل، ۱ــ۵) و به برخی مناصب کعبه همچون «سقایة الحاج» نیز اشاره می‌نماید (توبه، ۱۹).

ــ وضعیت فرهنگی عصر جاهلیت

وضعیت فرهنگی عصر جاهلیت را با تعبیرهایی همچون حُکم جاهلیت (مائده، ۵۰)، تبرُّج

---

۱. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۱، ص۶۶.

جاهلیت (احزاب، ۳۳)، حَمیّت جاهلیت (فتح، ۲۶) و ظن جاهلیت (آل‌عمران، ۱۵۴) بیان می‌کند. به موضوع بیسوادی مردم عصر جاهلیت و فرستاده شدن پیامبر بر اُمّیان می‌پردازد (جمعه، ۲؛ بقره، ۷۸)؛ رتبهٔ بلند بلاغت و شعر در عصر جاهلی را نشان می‌دهد (شعراء، ۲۲۴)؛ کاهنان عصر جاهلی را یاد می‌کند و مواردی از اتهام رسول خدا به کهانت را یادآور می‌شود (طور، ۲۹).

ـ وضعیت اجتماعی عصر جاهلیت

قرآن کریم، جامعه جاهلی را در لبه پرتگاه سقوط معرفی می‌کند (آل‌عمران، ۱۰۳). خصومت و اختلافات میان جامعه (آل‌عمران، ۱۰۳)؛ تفاخر به حسب و نسب (حجرات، ۱۳) و تبعیت بی‌مبنای عرب جاهلی از پدران را از ناهنجاری‌های این جامعه بر می‌شمرد (مائده، ۱۰۴)، بیان روحیات اعراب و بادیه‌نشینان، همچون نفاق و کفر آنان را یاد می‌شود (توبه، ۹۷) و از کشتن فرزندان به جهت فقر نهی می‌کند (اسراء، ۳۱). جایگاه فرودین و ناشایست زن را به تصویر می‌کشد؛ کشتن و زنده به گور کردن دختران (انعام، ۱۳۷، ۱۵۱؛ تکویر، ۸)؛ استفاده از ابزارهایی همچون ایلاء برای تحقیر زنان (بقره، ۲۶۶)، محرومیت زنان از ارث (نساء، ۱۱)، تعدد زوجات (نساء، ۴) خشونت علیه زنان (نساء، ۱۹)، تلقی نادرست درباره عادت ماهانه زنان (بقره، ۲۲۲)، ناخشنودی از تولد فرزند دختر (نحل، ۵۸) از نمونه‌هایی هستند که مورد نظر قرآن قرار گرفته و درباره آن موضع اسلام را بیان کرده و با تأکید بر یکسانی خلقت آدم و حواء (نساء، ۱) و ارزش برابر زن و مرد (آل‌عمران، ۱۹۵) به تصحیح نگرش‌های جاهلی در باب زن پرداخته است.

موضوعات دیگر مربوط به زنان همچون سفارش به پرداخت مهریه زنان (نساء، ۴ و ۲۱)؛ برخی از ازدواج‌های ناسالم مانند ازدواج با همسر پدر (احزاب، ۳۷)، نکاح خِدن[1] (نساء، ۲۵)، نکاح مَقت[2] (نساء، ۲۲)، را نهی می‌کند و انواع طلاق را برمی‌شمرد (بقره، ۲۲۹)، سفارش به قصاص و دیات می‌کند (بقره، ۱۷۸) و نکاتی در باب وصیت و ارث می‌آورد (بقره، ۱۸۰، مائده، ۱۰۶)؛ از طبقات اجتماعی مسکینان و مُترفان گزارش می‌دهد (حاقه، ۳۴؛

---

۱. دوستی مرد و زن بدون قرار داد یا خطبه نکاح: «وَلا مُتَّخِذاتِ اَخْدانٍ».

۲. هنگامی که همسر زنی از دنیا می‌رفت، فرزند یا یکی از نزدیکان مرد متوفی، صاحب اختیار زن می‌شد یا با او ازدواج می‌کرد، یا کلاً وی را از ازدواج با دیگران باز می‌داشت: «وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ».

ماعون، ۱؛ زخرف، ۲۳)، از خوردنی‌های حرام مانند میته و خون و گوشت خوک که جاهلیان بدان آلوده بودند، بر حذر می‌دارد (مائده، ۳).

تفاخر جاهلیان به اموال و بستگان را بر شمرده (تکاثر، ۱؛ مریم، ۷۷؛ سبأ، ۳۵) و مفاسد اخلاقی جامعه جاهلی مانند زنا (نور، ۳)، شرابخوارگی (بقره، ۲۱۹؛ نساء ۴۳)؛ قمار (مائده، ۹۰) را ذکر کرده و برخی عادات ایشان همچون وارد شدن به خانه‌ها بدون اجازه و سلام (نور، ۲۷)، خشونت جاهلی (حجرات، ۲) و منت نهادن (بقره، ۲۶۴) را ناپسند معرفی می‌کند.

علوم بی‌پایه‌ای چون سحر، کهانت، عرافت و اعتقاد به امور خرافی، مانند احترام ویژه برای برخی حیوانات (بحیره، سائبه، وصیله، حام) را صحیح ندانسته (مدّثر، ۲۴؛ مائده، ۱۰۳) و پناه بردن به تیرک‌ها در قرعه‌کشی‌ها (مائده، ۹۰) را از اخلاق و عادت مذموم جاهلیت ذکر می‌کند. همچنین از قربانی کردن برای بت‌ها نهی می‌کند (مائده، ۳).

ــ وضعیت اقتصادی عصر جاهلیت

قرآن، موقعیت تجاری مکه و تجارت قریش را نشان می‌دهد (قریش، ۱ــ۴) و از رواج تجارت سخن می‌گوید (توبه، ۲۴). با نظام ربوی دوره جاهلیت مبارزه می‌کند (روم، ۳۹؛ آل‌عمران، ۱۳۰) و برخی رفتارهای اقتصادی عرب جاهلی همچون کم‌فروشی را محکوم می‌کند (مطففین، ۱ــ۳). دوری آنان از صدقه و انفاق را سرزنش می‌نماید (یس، ۴۷) و جابجایی ماه‌ها (نسیئ) را که به انگیزه منافع اقتصادی انجام می‌گرفت، نهی می‌کند (توبه، ۳۷).

ــ وضعیت دینی عصر جاهلیت

ادیان و باورهای عصر جاهلی از محورهایی هستند که قرآن بدان پرداخته است. حنیفیت (انعام، ۱۶۱)؛ یهودیت (احقاف، ۱۰؛ نساء، ۱۵۳)؛ نصرانیت (بقره، ۱۱۳)؛ مجوسیت (حج، ۱۷)؛ پرستندگان اجرام آسمانی (فصلت، ۳۷)، پرستندگان ملائکه و جنّ (سبأ، ۴۰؛ انعام، ۱۰۰)؛ صابئی‌ها (مائده، ۶۹)، دهری‌ها (جاثیه، ۲۳) از جمله گروه‌های دینی شبه جزیره عربی بودند که مورد توجه قرار گرفته‌اند و اطلاعاتی درباره ایشان بیان شده است.

اعتقاد مشرکان به الله (زمر، ۳۸؛ لقمان، ۲۵) و واسطه قرار دادن برخی موجوات و اشیا را ذکر کرده (زمر، ۴۳) و مظاهر شرک و بت‌پرستی را که دامن جاهلیان بدان آلوده بود، نشان می‌دهد (یونس، ۱۸؛ فرقان، ۳) و نمونه‌ای از انواع بت‌ها چون لات، منات و عزی را

برمی‌شمارد (نجم، ۱۸ و ۱۹؛ نوح، ۲۳؛ صافات، ۱۲۵). انکار روز قیامت و معـاد (نحـل، ۳۸؛ تغابن، ۷؛ جاثیه، ۲۴) از سوی جاهلیان در آیات متعددی منعکس می‌شود.

مراسم حج آنان را بازتاب می‌دهد و مواردی از انحرافات راه یافته به این آیین سـترگ الهـی را ذکر می‌کند (بقره، ۱۵۸، ۱۸۹و ۱۹۹). مواردی همچون نخوردن از گوشت قربانی (حـج، ۲۸)؛ وارد شدن به خانه‌ها از پشت خانه، نه از درِ ورودی (بقره، ۱۸۹)؛ قائل شدن موقعیت ویژه بـرای خود در افاضه؛ اکراه از طواف میان صفا و مروه (بقره، ۱۵۸)؛ سوت کشیدن و کف زدن در کنـار کعبه (انفال، ۳۵) از جمله این موارد هستند. اعتقاد آنان در بـاب مـاه‌هـای حـرام (مائـده، ۲) و اقداماتی که در این زمینه ــ همچون نسیئ ــ انجام می‌شد را بازگو می‌کند (توبه، ۳۷).

قرآن کریم به برخی موضوعات دوره جاهلی همچون جنگ‌ها و ایام‌العرب کـه از افتخـارات آنان بود اشاره‌ای نداشته و یادی از آن نمی‌کند که این روش مربوط به اهداف قـرآن در اشـاره بـه موضوعات تاریخی است.

۲ـ۱ـ۲. دوران مکی[۱]

آیات الهی در دوران مکی مشـتمل بـر گزارش‌هـایی از مکی‌هـا و بازتـاب دیـن جدیـد در میـان آنهاست. آزار و اذیت مؤمنان به دست آنها و وارد ساختن انواع اتهامات به پیـامبر از جملـه ایـن اقدامات است. آیه‌ای از قرآن این اقدامات را ریشـه‌یـابی کـرده و تـرس اقتصـادی را عامـل ایـن حرکات دانسته است. قریش گمان می‌کرد با پذیرش دیـن جدیـد، بـا قـدرت‌هـای دیگـر درگیـر خواهد شد و از سرزمین خویش رانده می‌شود که خداوند به آنان چنین پاسخ می‌دهد: و گفتنـد اگر با تو از هدایت پیروی کنیم از سرزمین خود ربوده خواهیم شـد. آیـا آنـان را در حرمـی امـن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر شـود؟ ولـی بیشترشان نمی‌دانند.[۲]

مواردی که در ادامه یاد می‌شود آیات مربوط به حوادث دوران مکـی اسـت کـه بـا توجـه بـه اطلاعات کتاب‌های تاریخی و تفسیری گرد آمده‌اند، هر چند مناقشاتی درباره انصراف آن آیـات

---

۱. ر.ک: جعفری، تاریخ اسلام از منظر قرآن؛ دروزه، سیرة الرسول صور مقتبسة مـن القـرآن الکـریم؛ مـرزوق، السیرة النبویة فی القرآن الکریم.

۲. «وَ قَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهدَى مَعَکَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَ لَمْ نُمَکِّنْ لَهُمْ حَرَماً آمِناً یجْبَى إِلَیهِ ثَمَرَاتُ کُلِّ شَیءٍ رِزْقاً مِنْ لَدُنَّا وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ» (قصص، ۵۷).

به حادثه خاص وجود داشته باشد. این موارد که معمولاً در کتاب‌های سیره نبوی دارای عنوان بوده و به عنوان مقطعی از سیره نبوی یاد می‌شوند بدین شرح‌اند:

۱. بعثت و آغاز وحی (علق، ۱ــ۵)؛[۱]
۲. امر به انذار مردم (مدثر، ۱ــ۷)؛[۲]
۳. فَترت وحی (ضحی، ۳)؛[۳]
۴. آغاز مرحله عمومی دعوت (حجر، ۹۴ــ۹۵)؛[۴]
۵. انذار عشیره اقربین (شعراء، ۲۱۴)؛[۵]
۶. اتهامات و اذیت‌ها به پیامبر که در آیات بسیار انعکاس یافته‌اند. نزول سوره مسد، پاسخی به این آزارهاست؛[۶]
۷. آزار و شکنجه مسلمانان از جمله عماربن‌یاسر (نحل، ۱۰۶)؛[۷]
۸. اظهار تمایل پیامبر به مشرکان در داستان غرانیق؛ که از اساس باطل است؛[۸]

---

۱. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ، الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ یعْلَمْ» (علق، ۱ـ۵).
۲. «یا أَیهَا الْمُدَّثِّرُ؛ قُمْ فَأَنْذِرْ...» (مدثر، ۱ـ۲).
۳. «مَا وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَ مَا قَلَی» (ضحی، ۳).
۴. «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ» (حجر، ۹۴).
۵. «وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ» (شعراء، ۲۱۴).
۶. «تَبَّتْ یدَا أَبِی لَهَبٍ وَ تَبَ» (مسد، ۱).
۷. «مَنْ کَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِیمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُکْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِیمَانِ وَ لکِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْکُفْرِ صَدْراً فَعَلَیهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِیمٌ» (نحل، ۱۰۶).
۸. بنابر افسانه غرانیق، پیامبر تمایل داشت میان او و قریش توافق و سازش صورت گیرد، هنگامی که سوره نجم بر او نازل می‌شد و آن را تلاوت می‌فرمود پس از آیه: «أَفَرَأَیتُمُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّی * وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَی» (نجم، ۱۹ـ۲۰) شیطان بدون توجه و آگاهی پیامبر بر او جمله‌ای را القا کرد که مشتمل بر تأیید بت‌های قریش بود، آن جمله این بود: « تلک الغرانیق العلی و ان شفاعتهن لترتجی». مشرکان این را تأییدی از سوی پیامبر قلمداد کرده و این پیشامد را به فال نیک گرفتند. مسلمانان مهاجر به حبشه نیز که این خبر را شنیدند، به گمان برقراری توافق میان پیامبر و قریش از حبشه بازگشتند. جبرئیل نزد پیامبر بازگشت و او را از شیطانی بودن آن جمله با خبر ساخت. آیات ذیل نیز در همین باره نازل شدند: «وَ إِنْ کَادُوا لَیفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی أَوْحَینَا إِلَیکَ لِتَفْتَرِی عَلَینَا غَیرَهُ وَ إِذاً لاَتَّخَذُوکَ خَلِیلاً * وَ لَوْ لَا أَنْ ثَبَّتْنَاکَ لَقَدْ کِدْتَ تَرْکَنُ إِلَیهِمْ شَیئاً قَلِیلاً * إِذاً لَأَذَقْنَاکَ ضِعْفَ الْحَیاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَکَ عَلَینَا نَصِیراً» (إسراء، ۷۳ـ۷۵). این آیات پیامبر را اندوهگین کرد و خداوند برای رفع اندوه وی آیه دیگری نازل کرد: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِی إِلَّا إِذَا تَمَنَّی أَلْقَی الشَّیطَانُ فِی أُمْنِیتِهِ فَیَنْسَخُ اللَّهُ مَا یلْقِی الشَّیطَانُ ثُمَّ یحْکِمُ اللَّهُ آیاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ» (حج، ۵۲). اصل این داستان باطل ←